

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانون یار حقوق تجارت

مؤلف: دکتر وحید امینی

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست‌نویسی
- یادداشت
- موضوع
- موضوع
- موضوع
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی

امینی، وحید، ۱۳۶۲ -
 قانون یار حقوق تجارت/مولف وحید امینی
 تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
 ۱۰۰۷ ص.
 ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷
 فیپا
 چاپ یازدهم.
 دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
 حقوق تجارت -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
 حقوق تجارت -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
 LB۲۳۵۳
 ۳۷۸/۱۶۶۴
 ۳۹۸۳۰۶۷



- نام کتاب
- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

قانون یار حقوق تجارت
 چتر دانش
 دکتر وحید امینی
 بیست و نهم - ۱۴۰۲
 ۱۰۰۰
 ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷
 ۴۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

۹ قانون تجارت (مصوب ۱۳ / ۲ / ۱۳۱۱ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)

۹ باب اول: تجار و معاملات تجاری

۳۳ باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

۳۳	فصل اول: دفاتر تجاری
۴۷	موادی از قانون مالیاتهای مستقیم
۴۹	موادی از قانون مدنی
۵۱	فصل دوم: دفتر ثبت تجاری
۵۲	نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۰۶

۵۵ باب سوم: شرکتهای تجاری

۵۵	فصل اول: در اقسام مختلفه شرکتها و قواعد راجعه به آنها
	لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ - کمیسیون خاص مشترک مجلسین)
۵۷	(این قانون در روزنامه رسمی شماره ۷۰۳۸ مورخ ۱۳۴۸/۱/۲۶ منتشر شده است)
۵۷	مبحث اول: شرکتهای سهامی
۵۷	بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی
۸۴	بخش دوم: سهام
۱۰۴	بخش سوم: تبدیل سهام
۱۰۶	بخش چهارم: اوراق قرضه
۱۱۸	قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۰۶/۳۰
۱۳۹۸/۱۰/۱۷	آییننامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوبه شماره ۱۳۲۸۶۵/ت ۵۶۴۸۴ ه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۷
۱۲۲	هیأت وزیران
۱۳۳	بخش پنجم: مجامع عمومی
۱۶۹	بخش ششم: هیأت مدیره
۲۱۸	بخش هفتم: بازرسان
۲۳۰	بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت
۲۶۲	بخش نهم: انحلال و تصفیه
۲۸۴	بخش دهم: حسابهای شرکت
۲۹۱	بخش یازدهم: مقررات جزایی
۲۹۹	بخش دوازدهم: مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی
۳۱۶	مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود

۳۵۴.....	مبحث سوم: شرکت تضامنی
۳۸۶.....	مبحث چهارم: در شرکت مختلط غیرسهامی
۳۹۳.....	مبحث پنجم: شرکت مختلط سهامی
۳۹۶.....	مبحث ششم: شرکت نسبی
۴۰۷.....	مبحث هفتم: شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
۴۱۱.....	فصل دوم: در مقررات راجعه به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکتنامه‌ها
۴۱۴.....	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها (مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی)
۴۱۷.....	فصل سوم: در تصفیه امور شرکت‌ها
۴۲۵.....	فصل چهارم: مقررات مختلفه

باب چهارم: برات، فته طلب، چک ۴۲۹

۴۲۹.....	فصل اول: برات
۴۲۹.....	مبحث اول: صورت برات
۴۴۲.....	مبحث دوم: در قبول و نکول
۴۵۸.....	مبحث سوم: درقبولی شخص ثالث
۴۶۰.....	مبحث چهارم: در وعده برات
۴۶۴.....	اقدامات دارنده برات به وعده، روز معین و برات به وعده از تاریخ برات
۴۶۵.....	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۴۷۳.....	مبحث ششم: مسئولیت
۴۹۰.....	مبحث هفتم: در پرداخت
۵۰۲.....	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۵۰۵.....	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۵۲۰.....	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۵۲۳.....	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۵۲۸.....	مبحث دوازدهم: قوانین خارجی
۵۳۰.....	فصل دوم: در فته طلب (سفته)
۵۵۵.....	فصل سوم: چک
۵۸۲.....	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۷۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰.....
۵۸۲.....	بخشنامه صادره از بانک مرکزی درخصوص شرایط صدور و استفاده از چک‌های تضمین شده مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۱.....
۶۴۴.....	فصل چهارم: در مرور زمان

باب پنجم: اسناد در وجه حامل ۶۴۸

باب ششم: دلالی ۶۵۲

- ۶۵۲ فصل اول: کلیات
- ۶۶۵ فصل دوم: اجرت دلال و مخارج
- ۶۷۴ فصل سوم: دفتر
- ۶۷۵ قانون راجع به دلالان مصوب ۷ اسفندماه ۱۳۱۷
- ۶۷۷ اختیارات و تکالیف دلال

باب هفتم: حق العمل کاری (کمیسیون) ۶۷۹

- ۷۰۰ حق العمل کاری

باب هشتم: قرارداد حمل و نقل ۷۰۲

- ۷۲۹ حمل و نقل

باب نهم: قائم مقام تجارتي و سایر نمایندگان تجارتي ۷۳۱

باب دهم: ضمانت ۷۳۶

- ۷۴۴ ضمانت

باب یازدهم: در ورشکستگی ۷۴۵

- ۷۴۵ فصل اول: در کلیات
- ۷۵۱ فصل دوم: در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
- ۷۹۳ فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
- ۷۹۵ فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
- ۷۹۹ فصل پنجم: در مدیر تصفیه
- ۸۰۰ مقررات وزارت عدلیه راجع به تجار ورشکسته مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۶
- ۸۰۳ فصل ششم: در وظایف مدیر تصفیه
- ۸۰۳ مبحث اول: در کلیات
- ۸۰۶ مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
- ۸۰۷ مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
- ۸۰۹ مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
- ۸۱۰ مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
- ۸۱۷ فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

۸۱۷	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۸۱۸	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۸۱۸	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۸۲۹	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۸۳۳	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۸۵۰	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
۸۵۰	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند
۸۵۱	مبحث دوم: در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند
۸۵۳	فصل نهم: در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
۸۵۵	فصل دهم: در دعوای استرداد
۸۶۵	فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۸۶۹	باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
۸۶۹	فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر
۸۷۷	فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب
۸۸۰	فصل سوم: در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند
۸۸۴	فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب

۸۸۵ باب سیزدهم: در اعاده اعتبار

۸۹۴ باب چهاردهم: اسم تجارتي

۸۹۸ باب پانزدهم: شخصیت حقوقی

۸۹۸	فصل اول: اشخاص حقوقی
۹۰۳	آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری (مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی)
۹۰۶	فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

۹۱۰ باب شانزدهم: مقررات نهایی

۹۱۲	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴
۹۱۲	مبحث اول: سازمان اداره تصفیه
۹۱۷	مبحث دوم: اقدامات تأمینی اداره تصفیه
۹۲۱	مبحث سوم: دعوت بستانکاران
۹۲۳	مبحث چهارم: اداره اموال

۹۲۵	مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات
۹۲۶	مبحث ششم: تصفیه
۹۳۰	مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش
۹۳۲	مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی
۹۳۳	مبحث نهم: مقررات مالی
۹۳۵	مبحث دهم: مقررات مخصوص
۹۴۰	صلاحیت نهادها و مقامات امر تصفیه ورشکستگی در قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

۹۴۵ سوالات متفرقه و مربوط به قوانین خاص

۹۶۰ ضمائیم

۹۶۰	۱. عملیات تجاری
۹۶۱	۲. تکالیف عام تجار
۹۶۲	۳. سهام
۹۶۶	۴. مجامع عمومی
۹۷۰	۵. هیأت مدیره و مدیران
۹۷۷	۶. بازرسی
۹۸۰	۷. تغییرات در سرمایه شرکت
۹۸۶	۸. حسابهای شرکت
۹۸۸	۹. قبولی، ظهنویسی و نکول

۹۹۲ سوالات آزمون سردفتری ۱۴۰۱

۹۹۵ پاسخنامه آزمون سردفتری ۱۴۰۱

۹۹۶ سوالات آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۲

۹۹۹ پاسخنامه آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۲

۱۰۰۰ سوالات آزمون دکتری حقوق خصوصی ۱۴۰۲

۱۰۰۶ پاسخنامه آزمون دکتری حقوق خصوصی ۱۴۰۲

قانون تجارت

(مصوب ۱۳۱۳/۴/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)

باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

نکته ۱: تاجر کیست؟

۱- تاجر در ماده ۱ با شاخص «کسی» مورد اشاره قرار گرفته است، اما به اتفاق تمام حقوقدانان بهتر بود که قانون‌گذار به جای واژه کسی، از واژه شخص استفاده می‌کرد، تا هم شامل تجار حقیقی (انسان) باشد هم شامل تجار حقوقی (شرکتهای تجاری)؛ پس تاجر می‌تواند شخص حقوقی یا شخص حقیقی باشد.

۲- تاجر به شخصی گفته می‌شود که اعمال تجاری (که عموماً در ماده ۲ قانون تجارت مذکور هستند) را شغل معمولی خود قرار دهد و بدیهی است که هر زمان بخواهد می‌تواند از این شغل کناره‌گیری کند. ولی در زمانی که به تجارت مشغول است لازم است که امرار معاش وی از طریق تجارت باشد. شغل، فعالیت مستمر به قصد انتفاع است. از این رو صرف انجام یک یا چند بار عمل تجاری موجب اطلاق عنوان تاجر به شخصی نمی‌شود.

۳- تاجر باید اعمال تجاری را به نام و حساب خود انجام دهد. به نحوی که خود متحمل سود و زیان آن باشد. در ادامه این ضابطه را در ارتباط با برخی مشاغل تحلیل می‌کنیم.

الف- مدیران شرکت: از آنجایی که مدیران شرکت به نام و حساب شرکت معامله می‌کنند؛ لذا مدیران شرکت تاجر نیستند.

ب- دلال: این شخص تاجری است که برای اشخاصی که قصد دارند معامله کنند طرف معامله پیدا می‌کند و واسطه انعقاد معامله بین آنها می‌شود ولی خود طرف معامله نیست. دلیل اینکه دلال تاجر محسوب می‌شود آن است که به نام و حساب خود دلالی می‌کند.

پ- عامل: قانون تجارت از عامل تعریفی ارائه نداده است، اما حقوقدانان سه معیار متفاوت برای تشخیص عامل ارائه کرده‌اند. اول آنکه عامل هرچند قابل عزل است، اما اگر به‌طور ناموجه عزل شود می‌تواند از آمر جبران خسارتهای خود را مطالبه کند؛ **دوم** آنکه عموماً عامل از خود سرمایه

دارد و در تأمین سرمایه به آمر خود کمک می‌کند و سوم آنکه عامل به نام و حساب آمر معامله می‌کند. در میان این سه معیار، معیار اخیر نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که در این صورت تاجر بودن عامل زیر سؤال می‌رود و این در حالی است که عامل طبق قانون تجارت تاجر است و اشتغال به تجارت منوط به آن است که به نام و حساب خود صورت گیرد، به نحوی که شخص تاجر متحمل سود و زیان آن نوع تجارت گردد.

ت- حق العمل کار: طبق م ۳۵۷ ق.ت، حق العمل کار کسی است که به نام خود اما به حساب دیگری معامله می‌کند. برای مثال آمر به حق العمل کار دستور می‌دهد که برای وی ۱۰۰ عدل (بسته) پنبه بخرد، در این صورت حق العمل کار از فروشنده پنبه‌ها را می‌خرد و پنبه‌ها را به آمر در ازای حق العمل و هزینه‌های صرف شده تحویل می‌دهد. در اینجا حق العمل کار در مقابل فروشنده اصیل است ولی در مقابل آمر و کیل و حکم ماده ۳۵۸ قانون تجارت که مقررات باب و کالت قانون مدنی را در صورت سکوت قانون تجارت حاکم می‌داند، صرفاً محدود به رابطه آمر و حق العمل کار است و رابطه حق العمل کار و فروشنده (اصیل) مشمول قانون مدنی نیست؛ چرا که حق العمل کار در مقابل فروشنده اصیل است (شخصاً متعهد به اجرای قرارداد است)؛ یعنی حق العمل کار نمی‌تواند به مسائل مربوط به رابطه قراردادی خود با آمر، در مقابل فروشنده استناد کند.

ث- قائم مقام تجاری: قائم مقام تجاری به نام و حساب رئیس تجارتخانه فعالیت می‌کند؛ لذا تاجر نیست.

ج- مأمور حمل و نقل: در شغل تجاری حمل و نقل، شخصی که تاجر و مشمول حقوق تجارت است، متصدی حمل و نقل است نه مأمور حمل و نقل. برای مثال احمد به متصدی حمل و نقل ۱۰۰ عدل پارچه داده است تا آنها را از تهران به کرمانشاه منتقل نماید، متصدی حمل و نقل نیز برای این امر از مأموری استفاده می‌کند تا محموله را به وسیله کامیون به مقصد برساند، در این فرض شخصی که تاجر است، متصدی است نه مأمور حمل و نقل؛ چرا که مأمور حمل و نقل، به قصد تجارت و به نام و حساب خود این مأموریت را انجام نمی‌دهد بلکه این متصدی است که به قصد تحویل منفعت به تجارت می‌پردازد، آن هم به نام و حساب خود.

چ- اجزاء، خدمه و شاگرد تاجر: افراد مذکور اشخاصی هستند که فرض می‌شود با تاجر دارای رابطه کاری هستند و هر آنچه که انجام می‌دهند به اذن تاجر (رئیس) است؛ لذا به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کنند و در نتیجه تاجر هم نیستند.

ح- اولیاء و قیم تاجر محجور: فرض کنید که تاجری دیوانه شود، در این حالت اداره امور تجاری وی طبق قانون به همانند سایر امور وی، به قیم سپرده خواهد شد، حال سؤال این است که آیا قیم تاجر است یا تاجر دیوانه شده همچنان تاجر است؟

در پاسخ باید گفت که قیم به تجارت نمی‌پردازد؛ چرا که اولاً به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کند؛ ثانیاً به اداره امور محجور می‌پردازد نه به تجارت. تاجر دیوانه شده هم تاجر نیست؛ چرا که اولاً تاجر بودن نیازمند قصد و اراده است که تاجر دیوانه شده آنها را ندارد؛ ثانیاً به دلیل اینکه در

وصف تاجر بودن تاجر تردید جدی وجود دارد، نمی‌توان تاجر بودن وی را استصحاب کرد. بنابراین در فرض ما، تاجر وجود ندارد، اما اداره امور تجاری موضوعیت دارد و حدود وظایف قیم در چارچوب اداره امور تجاری تعریف می‌گردد. (مستند این نظریه وحدت ملاک از ماده ۴۰۰ قانون تجارت در باب قائم مقام تجاری است.)

خ- مدیر تصفیه: هرگاه تاجری ورشکسته شود، از مداخله در امور تجاری‌اش منع و اداره امور تجاری او به مدیر تصفیه واگذار می‌گردد. در این صورت، همانند حالت قبل مدیر تصفیه تاجر تلقی نمی‌شود؛ چرا که تمام مداخلاتی که انجام می‌دهد در راستای اداره امور تاجر ورشکسته است و خود شخصاً به تجارت نمی‌پردازد.

نکته ۲: در عقد مضاربه؛ این مضارب است که با سرمایه مالک تجارت می‌کند بنابراین مضارب تاجر است و مالک تاجر نیست، در عقد جعاله نیز عامل تاجر است.

نکته ۳: نحوه احراز تاجر بودن:

۱- احراز تاجر بودن یا نبودن یک شخص اساساً با دادگاه است.
 ۲- هیچ دلیلی که به‌طور قطع دلالت بر تاجر بودن شخصی کند، وجود ندارد و تمام ادله‌ای که در حقوق تجارت در این باب وجود دارد، ظنی الدلاله و موردی می‌باشند که در ادامه اهم آنها را نام برده و برخی از آنها را توضیح می‌دهیم:

الف- داشتن دفاتر تجارتي

ب- ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجارتي

پ- استفاده از اسناد تجارتي مانند برات، سفته و چک

ت- داشتن پروانه بازرگاني

ث- گردش سرمایه بالا

ج- داشتن برگ تشخیص مالیات مشاغل

چ- سایر اوراق و اسناد

ح- شهادت دیگران بر اشتغال شخص به تجارت: ترتیب اثر دادن به شهادت دیگران مبنی بر اینکه شخصی به تجارت مبادرت ورزیده است در هر حال منوط به اقناع وجدانی قاضی و برآورده شدن سایر مقضیات و مفقود بودن برخی موانع است؛ چرا که ممکن است شخص مذکور آن فعالیت را به نام و حساب دیگری انجام داده باشد و شاهد صرفاً ناظر امر مادی بوده و از قصد و اراده شخص مطلع نباشد.

خ- اقرار: تاجر می‌تواند اقرار به انجام دادن تجارت کند اما در این صورت تاجر بودن وی منوط به احراز شرایط از جانب قاضی است.

نکته ۴: آثار تاجر بودن:

۱- تاجر مکلف به تکالیف عام تجار است. این تکالیف عام عبارتند از:

الف- داشتن دفاتر تجارتي قانوني

ب- ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي

پ- اعلام توقف و ورشکستگی حسب مورد

۲- بدیهی است که تنها تاجر می‌تواند موصوف به وصف ورشکسته شود؛ از این رو، سایر اشخاص غیرتاجر در صورت ناتوانی در پرداخت دیونشان معسر می‌گردند نه ورشکسته.

۳- قانون تجارت در ماده ۳ ق.ت. برخی از معاملات تجارتهایی را ذکر کرده است. به همین خاطر اثر دیگر تاجر بودن شخص، موضوعیت یافتن ماده ۳ قانون تجارت است.

۴- اصل آن است که اعمال و فعالیت‌های اشخاص به‌طور کلی تجارتهایی نیستند، اما در باب تجار طبق ماده ۵ ق.ت. فرض بر آن است که کلیه معاملات تجار، تجارتهایی است مگر اینکه ثابت شود که معامله مربوط به امور تجارتهایی نبوده است.

نکته ۵: محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اشتغال به تجارت:

اشتغال به تجارت اصولاً نیازمند کسب مجوز و طی تشریفات نیست و این دلالت بر اصل آزادی تجارت دارد اما در دنیای مدرن برای تنظیم امور، تجار به‌موجب قانون مکلف به اجرای تکالیفی شده‌اند که تکالیف عام و خاص تاجر نام دارند. برای مثال مبادرت به دلالتی به‌موجب قانون دلالتان مصوب ۱۳۱۷ منوط به داشتن پروانه دلالتی است. به علاوه این تکالیف، به‌طور استثنایی و طبق سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به برخی معاملات تجارتهایی موقتاً یا دائماً برای برخی از اشخاص ممنوع یا محدود شده باشد که در ادامه چند نمونه از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها ذکر می‌گردد:

الف- ممنوعیت‌های شخصی: این نوع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به خاطر ویژگی‌های اشخاص اعم از بیگانه یا کارمند دولت بودن و ... وضع می‌گردد.

الف-۱) ممنوعیت اشخاص ایرانی: اشخاص ایرانی ممکن است مطلقاً از تجارت محروم باشند؛ مانند قضات (به استناد ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات) و سردفتران (به استناد ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و سردفتران و دفتریاران) یا به‌طور نسبی (محدودیت)؛ مانند کارمندان دولت که فقط از ورود و مداخله در معاملات دولتی ممنوع هستند.

الف-۲) ممنوعیت بیگانگان: بیگانگانی که در قلمرو کشور دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهند سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شوند و بسته به سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به نوعی تجارت برای بیگانگان آزاد یا ممنوع باشد. مثلاً قبل از انقلاب اسلامی، اشتغال به فعالیت‌های بیمه‌ای و بانکی برای بیگانگان مجاز بود اما با انقلاب اسلامی این آزادی از بین رفت تا اینکه با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجدداً امکان حضور بیگانگان در این صنعت فراهم شد. برای محدودیت بیگانگان می‌توان به این مورد اشاره کرد که اشتغال به تجارت برای اشخاص بیگانه در ایران می‌تواند منوط به مشارکت اشخاص ایرانی با سرمایه‌گذار خارجی باشد برای مثال در صنعت بیمه و قراردادهای نفت و گاز ایران چنین محدودیتی وجود دارد. در مواردی که ممنوعیت شخصی وجود دارد در صورتی که شخص ممنوع از تجارت علی‌رغم منع قانون، شغل معمولی خود را معاملات تجارتهایی قرار دهد مرتکب تخلف شده است، اما معامله تجاری او باطل نیست و این شخص تاجر محسوب می‌شود.

ب- ممنوعیت‌های موضوعی: منظور از این ممنوعیت، لحاظ کردن یکسری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها حسب موضوع تجارت است نه ویژگی‌های شخص تاجر. برای مثال فعالیت در صنعت اسلحه‌سازی، خواه برای ایرانی خواه برای بیگانه ممنوع است و این نوع ممنوعیت، به خاطر ویژگی‌های تاجر نیست، بلکه به علت شرایط خاص فعالیت مذکور است.

نکته ۶: کارمندان دولت در صورتی که خارج از اوقات اداری به تجارت بپردازند، تاجر محسوب می‌شوند.

نکته ۷: در صورتی که فعالیت تجاری نیازمند اخذ مجوز و پروانه باشد مانند دلالی و شخصی بدون اخذ پروانه اقدام به انجام عمل تجارتي نیازمند به مجوز کند، همچنان تاجر است و مقررات قانون تجارت در خصوص وی اجرا خواهد شد.



(ارشدر سراسری ۱۳۷۲)

۱- دلالت در صورتی تاجر محسوب می‌شود که:

- الف) از اداره یا سازمان ذیربط پرونده دلالی اخذ کرده باشد.
- ب) در رشته واحدی فعالیت داشته باشد.
- ج) به کار دلالی به عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.
- د) شغل دلالی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.

(ارشدر سراسری ۱۳۷۳)

۲- عامل کسی است که:

- الف) به نام و به حساب خود معامله انجام می‌دهد.
- ب) به نام خود ولی به حساب دیگری معامله انجام می‌دهد.
- ج) به دستور دیگری معامله انجام می‌دهد.
- د) واسطه انجام معامله قرار می‌گیرد.

(سردفتری ۱۳۷۵)

۳- صغیر چگونه می‌تواند در شرکت‌های سهامی سرمایه‌گذاری کند؟

- الف) با اذن ولی خود
- ب) توسط ولی خاص خود
- ج) توسط ولی خاص خود و با اجازه دادستان
- د) فقط توسط دادستان

(ارشدر سراسری ۱۳۷۹)

۴- در عقد مضاربه:

- الف) حصه معینی از سرمایه به عنوان سود به مالک پرداخت می‌شود.
- ب) سود به نسبت سرمایه بین مالک و مضارب تقسیم می‌شود.
- ج) مالک و مضارب تاجر محسوب می‌شوند.
- د) مضارب، تاجر محسوب می‌شود.

(وکالت ۱۳۸۱)

۵- کارمند دولت که در فارغ از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد:

- الف) تاجر محسوب می‌شود.
- ب) به هیچ وجه تاجر محسوب نمی‌شود.

ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.
د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.

۶- کدام یک از عبارات زیر در مورد اشتغال فارغیان به تجارت در ایران، صمیم است؟

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

الف) اتباع خارجه حق تجارت در ایران ندارند.
ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.
ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.
د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند، مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد.

۷- مدیران شرکتهای تجاری:

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

الف) تاجر محسوب می‌شوند، چون به نام خود عمل می‌کنند.
ب) تاجر محسوب نمی‌شوند، چون به نام دیگری عمل می‌کنند.
ج) تاجر محسوب می‌شوند، چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.
د) تاجر محسوب نمی‌شوند، چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.

۸- کدام تعریف در مورد تاجر صمیم می‌باشد؟

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۶)

الف) تاجر کسی است که شغل متعارف خود را انجام معاملات سودآور قرار دهد.
ب) تاجر شخصی است که شغل دائم خود را معاملات تجارتي سودآور قرار دهد.
ج) تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد.
د) تاجر کسی است که شغل معمولی خود را انجام انواع معاملات قرار دهد.

۹- نداشتن پروانه مانع از محکومت مقررات

(ارشد سراسری ۱۳۸۶)

الف) حق‌العمل‌کاری قانون تجارت نیست، اما دلال را از شمول مقررات دلالی خارج می‌کند.
ب) دلالی قانون تجارت نیست اما حق‌العمل‌کار را از شمول مقررات حق‌العمل‌کاری خارج می‌کند.
ج) دلالی و حق‌العمل‌کاری قانون تجارت است.
د) دلالی و حق‌العمل‌کاری قانون تجارت نیست.

۱۰- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟

(وکالت ۱۳۸۷)

الف) دلال ب) حق‌العمل‌کار ج) کسبه جزء د) قائم مقام تجارتي

۱۱- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟

(ارشد آزار ۱۳۸۹)

الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی ب) کارگزار بورس
ج) بیمه‌گر د) انبار عمومی

۱۲- تاجری فوت نموده و تمام مال‌التجاره وی به فرزندش که صغیر است ارث رسیده و اموال

(ارشد آزار ۱۳۸۹)

مزبور توسط قیم اداره می‌شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می‌شود؟

الف) صغیر ب) قیم
ج) نه صغیر، نه قیم، تاجر محسوب نمی‌شوند. د) هر دو

۱۳- از نظر قانون تجارت ایران، کدام یک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شوند؟ (مشاوران ۱۳۹۲)

- الف) دلال معاملات ملکی
ب) وارد کننده کالاهای اساسی
ج) مدیر شرکت تجاری
د) متصدی نمایشگاه عمومی

۱۴- با تقاضای شوهر، زن از اشتغال به تجارت فاص، به موجب حکم قطعی دادگاه ممنوع می‌شود.

زن پس از این حکم، اقدام به انعقاد قرارداد در همان زمینه تجارت می‌کند. این قرارداد با فرض

وجود شرایط اساسی برای صحت معاملات، چه حکمی دارد؟ (دکتری حقوق خصوصی ۱۳۹۷)

الف) فقط در صورت آگاهی طرف معامله از حکم دادگاه، باطل است.

ب) مطلقاً صحیح است.

ج) مطلقاً باطل است.

د) غیر نافذ است.

۱۵- با توجه به قانون تجارت و سایر قوانین و مقررات موضوعه، کدام مورد در فصوص شرایط

اشتغال به تجارت، صمیم است؟ (ارشد سراسری ۱۳۹۷)

الف) اشخاصی که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی به

نحو عمده‌فروشی دارند، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

ب) شرکت‌هایی که در امر حمل‌ونقل جاده‌ای مسافر فعالیت می‌کنند، علاوه بر اخذ مجوز از سازمان

حمل‌ونقل، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

ج) اشتغال به عملیات صرافی در قالب هر یک از شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت، مجاز

است.

د) کلیه اشخاصی که به فعالیت تجاری اشتغال دارند، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

۱۶- موضوع شرکت سهامی، واردات پارچه از ترکیه به قصد فروش است. مدیر شرکت، فود نیز به

موازات شرکت، شفیماً اقدام به واردات پارچه از ترکیه به قصد فروش می‌کند. معاملات این مدیر،

چه آثاری دارد؟ (مرکز وکلای قوه قضاییه ۱۴۰۰)

الف) صحیح است و اگر محل اصلی کسب درآمد آن مدیر باشد، موجب تاجر شدن آن مدیر است.

ب) باطل است و موجب تاجر شدن آن مدیر نیست.

ج) صحیح است ولی موجب تاجر شدن آن مدیر نیست.

د) باطل است، ولی اگر محل اصلی کسب درآمد آن مدیر باشد، موجب تاجر شدن آن مدیر است.

پاسخنامه

- ۱ ج ۲ ج ۳ الف ۴ د ۵ الف ۶ د ۷ ب
۸ ج ۹ د ۱۰ د ۱۱ الف ۱۲ ج ۱۳ ج ۱۴ ب

۱۵ ب طبق ماده ۱۲ قانون نظام صنفی کشور: «افراد صنفی موظف اند قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا

اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند.»

۱۶ الف به ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت نیز رجوع شود.

ماده ۲- معاملات تجارتي از قرار ذيل است:

- ۱- خرید يا تحصيل هر نوع مال منقول به قصد فروش يا اجاره، اعم از اينکه تصرفاتي در آن شده يا نشده باشد.
- ۲- تصدي به حمل و نقل از راه خشكي يا آب يا هوا به هر نحوي که باشد.
- ۳- هر قسم عمليات دلالي يا حق العمل کاري (کميسيون) و يا عاملي و همچنين تصدي به هر نوع تاسيساتي که براي انجام بعضي امور ايجاد مي‌شود، از قبيل تسهيل معاملات ملکي يا پيداکردن خدمه يا تهيه و رسانيدن ملزومات و غيره.
- ۴- تاسيس و به کار انداختن هر قسم کارخانه، مشروط بر اينکه براي رفع حوايج شخصي نباشد.
- ۵- تصدي به عمليات حراجي.
- ۶- تصدي به هر قسم نمايشگاه‌هاي عمومي.
- ۷- هر قسم عمليات صرافي و بانكي.
- ۸- معاملات برواتي اعم از اينکه بين تاجر يا غيرتاجر باشد.
- ۹- عمليات بيمه بحري و غيربحري.
- ۱۰- کشتي سازي و خريد و فروش کشتي و کشتي‌راني داخلي يا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

نکته ۱: در ميان حقوقدانان تجارت، دو معيار در پاسخ به اين سؤال که قانون تجارت در باب

چه مسئله‌اي است، وجود دارد. **معيار اول:** معيار شخصي است که حکايت از آن دارد که قانون تجارت قانون تاجر است و به تنظيم رفتار تاجر مي‌پردازد. **معيار دوم:** معيار موضوعي است که حکايت از اين مسئله دارد که قانون تجارت به منظور تنظيم فعاليت‌هاي تجاري تدوين و تصويب گرديده است. در اين راستا قانون‌گذار در ماده ۱ ق.ت تاجر را تعريف کرده، سپس در ماده ۲ ق.ت به احصاء معاملات تجارتي مبادرت ورزيده و نهايتاً در ماده ۳ به بيان شقوق معاملات تجاري تبعية پرداخته است. از اين رو، قانون تجارت ايران با پذيرش معيار موضوعي (ماده ۲) و معيار شخصي (ماده ۳)، نظريه سومي را خلق کرده است که به آن نظريه مختلط گفته مي‌شود.

نکته ۲: تجاري بودن معاملات تجاري مندرج در ماده ۲ ق.ت اعم است از آن که شخص تاجر

دولتي باشد يا غيردولتي؛ «لذا ملي شدن بانک‌ها تأثيري در اينکه طبق بند ۷ ماده ۲ ق.ت عمليات آنها را ذاتاً تجاري بدانيم، نداشته است» (عرفاني، محمود، ج ۱، ص ۴۶)

نکته ۳: ماده ۲ ق.ت به بيان معاملات تجاري ذاتي مي‌پردازد و در باب اينکه ماده ۲ ق.ت حصري

است يا تمثيلي، غلبه با حصري بودن ماده ۲ ق.ت است.

نکته ۴: نکاتي در باب تحصيل:

۱. تحصيل بايد ارادي باشد؛ لذا مالکيت مافي‌الذمه، تهاتر و اشتراک قهري که به صورت قهري رخ مي‌دهد، نمي‌تواند تحصيل قلمداد گردد.

۲. از مصادیق تحصیل؛ حیات مباحات و معاوضه را می‌توان نام برد.
۳. تحصیل و خرید مال منقول (نه غیرمنقول) باید به قصد فروش یا اجاره باشد.
۴. حکم معاملات غیرمنقول در ماده ۴ ق.ت. آمده است.
۵. ممکن است ابتدا مال منقول فروخته شود، سپس خریداری یا تحصیل شود. به عبارت دیگر تاجر می‌تواند قرارداد ببندد که فلان مال منقول را در موعد معین به خریدار یا مستأجر تحویل دهد، اما در زمان انعقاد قرارداد آن مال را نداشته باشد. در این صورت تاجر در موعد معین آن مال را تحصیل یا خریداری کرده و در اختیار خریدار یا مستأجر قرار می‌دهد.

نکته ۵: نکاتی در باب تصرف:

۱. تصرف نباید چنان تاثیری در مال منقول خرید شده یا تحصیل شده بگذارد که ماهیتاً بین مال منقول قبل از تصرف و بعد از تصرف تفاوت وجود داشته باشد؛ برای مثال، اگر مجسمه‌سازی قطعه سنگی خریداری کند و با مهارت خود، آن را به مجسمه‌ای هنری تبدیل کند، این امر تجارت محسوب نمی‌شود بلکه نوعی پیشه‌وری یا حرفه‌ورزی است.
۲. خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش، عمل تجارتي منطبق با بند ۱ ماده ۲ ق.ت. است. (ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۴۶) مبنای این نظریه را در تفکیک زیر بهتر می‌توان دید:

- الف) اگر شخصی با تأسیس کارخانه کفش‌دوزی به خرید چرم و سایر ملزومات کفش‌دوزی مبادرت ورزد، به استناد بند ۴ ماده ۲ عمل تجارتي انجام داده است و تاجر خواهد بود.
- ب) اگر شخصی بدون تأسیس کارخانه با خرید چرم و سایر ملزومات به کفش‌دوزی مبادرت ورزد، کسبه جزء است، تاجر خواهد بود و عمل وی تجارتي است.
- پ) اگر کفش‌دوزی به خاطر رفع نیازهای مراجعه‌کنندگان، مقداری چرم بخرد، هرچند که وی کسبه جزء و در نتیجه تاجر تلقی می‌گردد اما خرید آن چرم و تصرف در آن عمل تجارتي نیست.

- نکته ۶: منظور از مال منقول چیست؟** در پاسخ باید گفت که منظور از مال منقول، مطلق مال منقول اعم از مال منقول مادی و مال منقول غیر مادی مانند طلب است. لذا کسی که طلب وصول نشده دیگران را با احتساب نرخ تنزیلی خریداری می‌کند و به نام و حساب خود، به وصول آنها مبادرت می‌ورزد تاجر است. به عنوان مثال احمد ۱۰ میلیون تومان از شخصی طلبکار است اما موعد آن ۶ ماه دیگر است و وی نمی‌تواند تا موعد منتظر بماند. احمد می‌تواند فی الحال طلب خود را به مبلغ ۸ میلیون تومان به کاوه بفروشد. در این صورت، کاوه سر موعد با عنوان طلبکار به بدهکار رجوع خواهد کرد و مبلغ ۱۰ میلیون تومان دریافت خواهد کرد و مابه‌التفاوت ۲ میلیون تومانی منفعت تجاری کاوه خواهد بود.

- نکته ۷:** علی‌رغم تصریح بند ۱ ماده ۲ مبنی بر تجاری بودن خرید مال منقول به قصد فروش استثنائاً مطابق ماده ۵۴ ل.ا.ق.ت: «پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه، عمل تجاری نمی‌باشد.»

نکته ۸: تصدی یعنی چه؟ حقوقدانان برای تصدی دو معیار ارائه کرده‌اند. معیار اول آن است که تصدی باید در قالب تشکیلات و مؤسسه باشد و معیار دوم آن است که تصدی استمرار و تکرار داشته باشد. در میان این دو معیار، معیار اول دارای وجه تمیزدهندگی (وجه ممیز) بیشتری است.

نکته ۹: در تصدی به حمل و نقل باید متذکر شویم که تاجر، شخص متصدی است نه مأمور حمل و نقل.

نکته ۱۰: طبق بند ۲ ماده ۲ ق.ت تصدی به حمل و نقل معنای عامی دارد و شامل حمل و نقل مسافر و بار است، اما قانون تجارت در باب هشتم (باب قرارداد حمل و نقل) صرفاً حمل و نقل بار را مشمول قانون تجارت دانسته است، آن هم اگر توسط اداره پست انجام نگرفته باشد (ر.ک. ماده ۳۹۴ ق.ت).

نکته ۱۱: به موجب ماده ۴ ق.ت معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي نیست اما طبق ماده ۲ ق.ت دلالی و بیمه ذاتاً تجاری هستند؛ لذا اگر موضوع دلالی و مال بیمه شده، مال غیرمنقول باشد، ظاهراً بین مواد قانون تجارت تعارض وجود دارد. این تعارض به راحتی قابل رفع است به این معنا که اولاً منظور از معاملات غیرمنقول انحصاراً عبارت است از ساخت (ساختمان)، تأمین مالی ساخت، خرید و فروش و اجاره، پس طبق ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها صرفاً ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش، عمل تجارتي ذاتی است؛ ثانیاً موضوع دلالی و بیمه تأثیری در ذات عملیات دلالی و بیمه‌گری که عملی تجارتي است ندارد؛ لذا دلالی و بیمه‌گری معاملات اموال غیرمنقول ذاتاً تجاری است و ثالثاً برای دلالی معاملات ملکی (همان اموال غیرمنقول) طبق ماده ۷ قانون دلالاتان مصوب ۱۳۱۷ پروانه دلالی صادر می‌گردد. از این رو، اگر موضوع معاملات تجاری ذاتی، مال غیرمنقول باشد، تأثیری در تجاری بودن معامله مذکور ندارد.

نکته ۱۲: هرچند معامله اموال غیرمنقول تجارتي نیست اما طبق بند ۳ ماده ۲ ق.ت تسهیل معاملات ملکی تجارتي است. به طور کلی تصدی به عملیات خدماتی تسهیل‌کننده امور، اعم از ملکی و غیر آن، تجارتي محسوب می‌شوند.

نکته ۱۳: حق‌العمل کار کسی است که به نام خود اما به حساب دیگری معامله می‌کند و به ازای آن حق‌العمل (کمیسیون) دریافت می‌کند. رابطه حق‌العمل کار در مقابل آمر، اصولاً مشمول قانون تجارت است و در مواقع سکوت قانون تجارت، مشمول قانون مدنی باب وکالت است. اما رابطه حق‌العمل کار با طرف معامله، مشمول قانون تجارت است و در مقام سکوت قانون تجارت، بعید است که بتوان به قانون مدنی باب وکالت رجوع کرد؛ چرا که حق‌العمل کار در مقابل طرف معامله اصیل است نه نماینده.

نکته ۱۴: نمایندگی تجارتي بر دو قسم است: نمایندگی تام و نمایندگی ناقص. نمونه بارز نمایندگی تام، وکالت است که وکیل به نام و به حساب موکل فعالیت می‌کند مانند مدیران شرکت‌های تجاری. نمونه بارز نمایندگی ناقص، حق‌العمل کاری است که حق‌العمل کار به نام خود ولی به حساب دیگری فعالیت می‌کند.

نکته ۱۵: در قانون تجارت سه اصطلاح هم خانواده به کار رفته که تفکیک بین آنها لازم است:

۱. **کارخانه:** این اصطلاح در قانون تجارت تعریف نشده است ولی قطعاً می‌توان گفت که برخلاف شرکت، فی نفسه دارای شخصیت حقوقی نیست.
۲. **تجارخانه:** این اصطلاح نیز تعریف نشده است ولی قواعد بیشتری در باب چگونگی اداره آن وجود دارد که در باب قائم‌مقامی آمده است. تجارخانه همانند کارخانه، فاقد شخصیت حقوقی است.
۳. **شرکت:** این تأسیس حقوقی دارای شخصیت حقوقی است و بسته به نوع آن ممکن است دارای سازماندهی پیچیده یا ساده باشد.

نکته ۱۶: ماهیت حراجی، مناقصه و مزایده چیست؟

۱. حراجی، مزایده و مناقصه به استناد قانون محاسبات عمومی و قانون برگزاری مناقصات در معاملات دولتی به کار گرفته می‌شود؛ لذا ادعای آن دسته از حقوقدانان که معتقدند حراجی مورد استفاده بخش دولتی نیست، صحت ندارد (ر.ک. ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی)
۲. طبق بند الف ماده ۲ قانون برگزاری مناقصات: «مناقصه فرآیندی است رقابتی، برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کم‌ترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود.»
۳. مزایده روشی رقابتی است برای فروش کالا یا خدمتی معین به بالاترین پیشنهاد قیمتی.
۴. باید توجه داشت که هم مزایده هم حراجی برای فروش کالا به بالاترین قیمت پیشنهادی است و در هر دو فرآیند مذکور قیمت مبنا وجود دارد با این تفاوت که قیمت مبنا در حراجی قابل نقض است، اما قیمت مبنا در مزایده قابل نقض نیست. برای مثال اگر در حراجی یک اثر هنری قیمت پایه ۱۰۰ میلیون تومان باشد، اما در فرآیند حراجی هیچ پیشنهادی به این حد نرسد مانع از آن نخواهد بود که اثر هنری مذکور فروخته شود ولی در مزایده این قیمت مبنا باید لحاظ شود و در صورتی که قیمت مبنا حاصل نشود، مزایده تجدید می‌گردد اما در مزایده مجدد، برآورده نشدن قیمت مبنا دیگر مانع نیست.
۵. بین عملیات حراجی و حراج که از جانب برخی مشاغل صورت می‌گیرد، تفاوت وجود دارد. عملیات حراجی، مستقلاً فعالیتی تجاری است در حالی که حراج، نوعی فروش است که طبق قانون نظام صنفی نیازمند کسب مجوز است. برای مثال، صاحب یک مغازه کت و شلوار فروشی در پایان فصل به منظور نقد کردن اجناس خود، مبادرت به حراج البسه خود می‌کند، در این حالت حراج به آن معنا است که شخص مذکور قصد دارد که اجناس خود را به قیمتی پایین‌تر از قیمت خرید بفروشد (در واقع ضرر می‌کند)، نه اینکه اجناس خود را به بالاترین قیمت پیشنهادی بفروشد، و این در حالی است که عملیات حراجی برای فروش به بالاترین قیمت پیشنهادی است.
۶. حراجی شفاهی است اما مزایده و مناقصه کتبی است.

نکته ۱۷: مصادیق نمایشگاه عمومی:

۱. معیار تشخیص نمایشگاه عمومی آن است که شخص نمایشگاه‌دار صرفاً در ازای به نمایش درآوردن برخی اشیاء و آثار هنری از بینندگان خود وجوهی دریافت کند. برای مثال، اگر شخصی در محل فعالیت خود چندین اثر هنری به نمایش بگذارد و از بینندگان این آثار صرفاً در قبال نمایش این آثار وجه دریافت کند، نمایشگاه‌دار خواهد بود. در این مثال حتی اگر اثری به فروش رسد، مقصود اصلی نمایشگاه‌دار نخواهد بود. نمونه دیگر نمایشگاه‌داری، سینماداری است که آثار سینمایی را به نمایش می‌گذارد و از تماشاچیان وجه دریافت می‌کند. تصدی به نمایشگاه خصوصی که با هدف نمایش آثار یا کالاهایی برای تعداد مشخصی از افراد صورت می‌گیرد، فعالیت تجارتي نیست.
۲. اداره نمایشگاه عمومی در صورتی تجاری تلقی می‌گردد، که همراه با تکرار و استمرار باشد، چرا که در این باره نیز از عبارت «تصدی» استفاده شده است.

نکته ۱۸: عملیات صرافی و بانکی:

۱. صرافی: تبدیل پول به پول را صرافی گویند. خرید و فروش طلا و نقره، صرافی محسوب نمی‌گردد. اما خرید و فروش سکه‌های بانکی که توسط بانک مرکزی ضرب می‌گردند، مشمول عنوان صرافی است.
۲. کلیه عملیات بانکی^۱ مانند قبول سپرده‌گذاری، اعطاء وام، صدور ضمانت‌نامه، اعطای اعتبارات اسنادی و ... مشمول این بند می‌باشند.
۳. مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز با توجه به اشتغال به عملیات بانکی، تاجر محسوب می‌شوند.
۴. مطابق ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تأسیس بانک فقط در قالب شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام و با مجوز بانک مرکزی امکان‌پذیر است.

نکته ۱۹: در باب معاملاتی برواتی ذکر مطالب زیر حائز اهمیت است:

۱. برات نوشته‌ای است که شخصی (براتکش یا صادرکننده برات) آن را به نفع شخص دیگری به نام دارنده برات صادر می‌کند تا دارنده برات با مراجعه به شخص ثالثی به نام براتگیر، وجه برات را از او دریافت دارد.
۲. عبارت معاملات برواتی، کلیه اعمال صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت برات را در بر می‌گیرد.
۳. صدور برات، به صورت اتفاقی و به وسیله اشخاص غیر تاجر هم، عمل تجاری محسوب می‌شود.
۴. معاملات راجع به چک مشمول این بند نمی‌باشند و تجاری تلقی نمی‌شوند. بنابر این صدور و ظهرنویسی و ضمانت چک عمل تجاری تلقی نمی‌گردد. در این باره ماده ۳۱۴ ق.ت. صراحتاً صدور چک و به طریق اولی، سایر اعمال راجع به چک را غیر تجاری دانسته است. اما باید توجه کرد که صدور چک توسط تاجر در راستای امور تجاری وی عمل تجاری تبعی تلقی می‌گردد.

۱- تشخیص و معرفی عملیاتی خاص به عنوان عملیات بانکی با شورای پول و اعتبار است. (بند ب ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی)

۵. معاملات راجع به سفته نیز مشمول این بند نمی‌باشند و تجاری تلقی نمی‌گردند. البته در این زمینه برخلاف چک، تصریح قانونی نداریم و بین حقوقدانان نیز در این زمینه اختلاف نظر است و برخی از ایشان معاملات راجع به سفته را با معاملات راجع به برات قیاس می‌کنند و آنها را نیز تجاری می‌دانند، اما نظر اقوی آن است که چنین معاملاتی تجاری نیستند. همانند چک، صدور سفته توسط تاجر در راستای امور تجاری وی، عمل تجاری تبعی تلقی می‌گردد.

نکته ۲۰: ملاکی که برای شناسایی اعمال تجاری ذاتی استفاده می‌شود دو مورد است:

الف) گردش ثروت (ب) جستجوی سود

حال اگر عملی تجاری، با ضابطه پذیرفته شده جهت شناسایی اعمال تجاری ذاتی که یکی از دو مورد بالا می‌باشد، منطبق نباشد، در صورتی که بنا به مصالحی، قانون‌گذار آن عمل را تجاری بداند، به آن عمل، **عمل تجاری حکمی** می‌گویند که از آن جمله، می‌توان به معاملات برواتی اشاره نمود.

نکته ۲۱: موضوع قرارداد بیمه حتی اگر عمر آدمی باشد، آن قرارداد تجارتي تلقی می‌گردد. بیمه اموال غیرمنقول هم تجاری محسوب می‌شود.

نکته ۲۲: هر کدام از «خرید» و «فروش» کشتی به صورت مستقل عمل تجاری است و نیازی نیست خرید کشتی به قصد فروش باشد تا تجاری قلمداد شود. کشتی‌رانی نظامی عمل تجاری محسوب نمی‌شود ولی ساخت کشتی نظامی عمل تجاری است.

نکته ۲۳: تعهدات تاجر به سبب انجام امور تجارتي، تجارتي است خواه طرف معامله با او، تاجر باشد خواه نباشد، هرگاه معامله تاجر با غیرتاجر باشد، تنها تعهد تاجر تجارتي است. فایده تفکیک تعهداتی که طرفین آن تاجراند از تعهداتی که تنها یک طرف آن تاجراند در بحث از صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوای ناشی از چنین تعهداتی هویدا می‌شود. به موجب ماده ۲۲ ق.آ.د.م «در دعوای بازرگانی» مدعی می‌تواند به دادگاه محلی رجوع کند که عقد یا قرارداد در آنجا واقع شده و یا تعهد در آنجا باید انجام شود. اگر دعوای علیه تاجر و به سبب تعهد تجاری مطرح شود، طرف غیرتاجر می‌تواند دادگاه خود را انتخاب کند، چه دعوای علیه تاجر یک دعوای بازرگانی است برعکس هرگاه دعوای بازرگانی علیه غیربازرگان باشد، دعوای جنبه مدنی دارد (ربیعا اسکینی، قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران)

الف) معامله هر سه سند تجارتي است.

ب) معامله برات ذاتاً تجارتي است.

ج) معامله چک ذاتاً تجارتي نیست ولی معامله برات و سفته ذاتاً تجارتي است.

د) صدور سفته توسط تاجر ذاتاً تجارتي است، خواه مربوط به معامله تاجر باشد یا نباشد.

۲- معامله کدام سند یا اسناد ذاتاً تجارتي است؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۴)

الف) برات و سفته ب) برات ج) سفته د) هر سه سند

۳- کدام یک از موارد زیر معامله تجارتي ممسوب است؟

(سر دفترى ۱۳۷۶)

الف) تسهیل و نقل و انتقال اموال غیر منقول ب) تسهیل معاملات ملکی

ج) رهن اموال غیر منقول د) نقل و انتقال اموال ملکی

۴- کدام یک از اعمال زیر با یک بار انبیا شدن تجارتي ممسوب می شود؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۶)

الف) حمل و نقل ب) حق العمل کاری

ج) حراجی د) وساطت معاملات ملکی

۵- کدام یک از اعمال زیر ذاتاً تجارتي نیست؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۶)

الف) عمل خرید مال منقول به قصد اجاره

ب) عمل عاملی

ج) عمل صدور چک د) عمل خرید مال منقول به قصد فروش

۶- کدام یک از اشخاص زیر تاجر ممسوب نمی شوند؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۷)

الف) حق العمل کار ب) دلال ج) عامل د) قائم مقام تجارتي

۷- در حقوق فعلی ایران کدام یک از موارد زیر صمیع است؟

(سر دفترى ۱۳۷۷)

الف) با ملی شدن بانکها، عملیات بانکی دیگر «معاملات تجاری» محسوب نمی شوند.

ب) با وجود ملی شدن بانکها، عملیات بانکی کماکان «معاملات تجاری» محسوب می شوند.

ج) بانکهای ملی شده، تاجر محسوب نمی شوند.

د) قانون تجارت، راجع به تجاری بودن عملیات بانکی ساکت است.

۸- کدام یک از معاملات زیر عمل تجارتي ذاتی ممسوب می شود؟

(وکالت ۱۳۷۹)

الف) تصدی به عملیات حراجی

ب) کلیه معاملات بین تاجر، کسبه، صرافان و بانکها

ج) کلیه معاملات شرکتهاى تجارتي

د) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می نماید.

۹- ماده ۴ قانون تجارت مقرر داشته، معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي ممسوب نمی شود:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۰)

الف) تجارتي نیست. ب) اگر با خرید و فروش ملک همراه باشد تجارتي است.

ج) می تواند تجارتي باشد. د) تجارتي است.

۱۰- ارائه خدمات بیمه ای مربوط به اموال غیر منقول، معاملاتی است که:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۱)

الف) به هیچ وجه تجارتي نیستند.

ب) تجارتي هستند.

ج) فقط اگر از سوی تاجر صورت گیرند، تجارتي هستند.

د) اگر با خرید و فروش ملک همراه باشند، تجارتي نیستند.

(سردفتري ۱۳۸۲)

۱۱- کدام مورد، تجارتي ممسوب می‌گردد؟

- الف) هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی
 ب) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب و هوا به هر نحوی که ممکن باشد.
 ج) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول، به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
 د) هر سه مورد

۱۲- کدام یک از اعمال تجارتي زیر ممتنع تکرار و استمرار است تا معاملات تجارتي ممسوب شود؟

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۳)

- الف) تصدی به حمل و نقل
 ب) هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری
 ج) هر قسم عملیات صرافتی و بانکی
 د) معامله برواتی

(سردفتري ۱۳۸۳)

۱۳- کدام گزینه صمیع است؟ عملیات بیمه ... ممسوب می‌شود.

- الف) غیر تجارتي
 ب) بحری و غیر بحری تجارتي
 ج) قرارداد ارفاقی
 د) بحری تجارتي و غیر بحری غیر تجارتي

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۴)

۱۴- صدور سفته ...

- الف) در صورتی که به منظور امور تجارتي باشد، ذاتاً تجارتي محسوب می‌شود.
 ب) چنانچه توسط تاجر صورت گرفته باشد، تجارتي محسوب می‌شود.
 ج) در صورتی که از محلی به محل دیگر باشد، تجارتي محسوب می‌شود.
 د) چنانچه توسط تاجر صورت گرفته باشد، تبعاً تجارتي محسوب می‌شود.

(وکالت ۱۳۸۶)

۱۵- کدام یک از گزینه‌های زیر صمیع نیست؟

- الف) ماشینی که به قصد اجاره معاوضه می‌شود عمل تجاری است.
 ب) خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش تجاری نیست.
 ج) هر گاه کسی برای منزل خود قالی بخرد و بعد از مدتی آن را بفروشد عمل تجاری است.
 د) خرید کتاب به قصد فروش آن عمل تجاری است.

(وکالت ۱۳۸۶)

۱۶- معاملات برواتی:

- الف) ذاتاً تجاری است.
 ب) مطلقاً تجاری است.
 ج) وقتی بین تاجر باشد، تجاری است.
 د) گزینه الف و ب صحیح است.

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۶)

۱۷- کدام یک از موارد زیر معامله تجارتي ممسوب نمی‌شود؟

- الف) حمل و نقل کالا از راه خشکی یا دریا یا هوا.
 ب) خرید یا تحصیل هر نوع مال به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد.
 ج) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا کسبه جزء و پیشه‌ور باشد.
 د) موارد الف و ب هیچ کدام معامله تجارتي محسوب نمی‌شوند.

۱۸- کدام یک از عبارات ذیل صمیع نمی‌باشد؟

(وکالت ۱۳۸۹)

- الف) تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول تجاری محسوب می‌شود.
 ب) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی‌شوند، ولو آنکه بین تجار انجام شود.
 ج) خرید اراضی و تفکیک آن توسط تاجر، به قصد فروش تجاری محسوب می‌شود.
 د) احداث ساختمان، به منظور فروش یا اجاره توسط شرکت‌های با مسئولیت محدود، عمل تجاری است.
- ۱۹- منظور از معاملات برواتی در ماده ۲ قانون تجارت کدام یک از موارد زیر است؟ (ارشر آزار ۱۳۹۰)**

- الف) صدور، ظهنویسی، ضمانت و قبولی برات
 ب) هر قراردادی که برای ایفای تعهد پولی ناشی از آن، برات صادر شده است.
 ج) صدور، ظهنویسی و ضمانت اسناد براتی
 د) تنزیل اسناد براتی وعده‌دار

۲۰- در فصوص اعمال تجارتی کدام مورد صمیع است؟

(رکتری حقوق فصوصی ۱۳۹۷)

- الف) دلالی در معاملات غیر منقول، عمل تجارتی حساب می‌شود.
 ب) صدور سفته و چک از سوی شرکت‌های سهامی، ذاتاً عمل تجارتی محسوب می‌شود.
 ج) از نظر قانون تجارت، کلیه معاملات تجار، صرفاً در صورتی که برای رفع حوایج تجارتی آنها باشد، تجارتی محسوب می‌شود.
 د) عملیات تجارتی خدماتی، یکی از اقسام اعمال تجارتی است؛ لذا تشکیل شرکت با مسئولیت محدود با موضوع «خدمات وکالت و مشاوره حقوقی» صحیح است.

۲۱- در تملیل عمل تجاری ذاتی کدام مورد نادرست است؟

(رکتری حقوق فصوصی سراسری ۱۳۹۹)

- الف) عمل خیاطی که پارچه می‌خرد و پس از تبدیل به لباس می‌فروشد، تجاری محسوب می‌شود.
 ب) بر اساس نظریه یا معیار گردش ثروت، معاملات غیرمنقول عمل تجاری محسوب می‌شوند.
 ج) قصد فروش در خرید مال منقول توسط تاجر مفروض است و نیاز به دلیل اثباتی ندارد.
 د) واسطه‌گری انجام معاملات اوراق بهادار در بورس عمل تجاری محسوب می‌شود.

۲۲- شفص الف براتی را به نفع ج و علیه ب صادر می‌کند، شفص ب برات را قبول نمی‌کند، عمل

(تالیفی)

شفص الف د

- الف) تجارتی نیست، چون باید براتگیر قبول کند. ب) تجارتی است، چون باید براتگیر قبول نکند.
 ج) تجارتی نیست، حتی اگر براتگیر قبول کند. د) تجارتی است، حتی اگر براتگیر قبول نکند.

پاسخنامه

۱ ب	۲ ب	۳ ب	۴ ب	۵ ج	۶ د	۷ ب
۸ الف	۹ د	۱۰ ب	۱۱ د	۱۲ الف	۱۳ ب	۱۴ د
۱۵ ب و ج	۱۶ د	۱۷ ب	۱۸ ج	۱۹ الف	۲۰ الف	۲۱ ب
۲۲ د						

ماده ۳- معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌شود:**۱- کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها.**

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوایج تجارتی خود می‌نماید.

۳- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر، برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید.

۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی.

نکته ۱: اعمال موضوع این ماده چون به تبع تاجر شناخته شدن شخص متعامل یا متعاملین تجاری شناخته می‌شوند، لذا اعمال تجاری تبعی نامیده می‌شوند. همچنین به علت فرع بودن این معاملات نسبت به معاملات تجاری ذاتی، آنها را اعمال تجاری فرعی نیز می‌گویند.

نکته ۲: برای اینکه عمل تجارتی باشد، آیا لازم است برای امور تجارتی تاجر باشد؟ جواب این سؤال اختلافی است. دکتر حسن ستوده تهرانی با توجه به ظاهر ماده به این پرسش، پاسخ منفی داده‌اند و فرضی که معامله بین تاجر به هیچ وجه مربوط به تجارت آنها نباشد را هم، تجاری دانسته‌اند (حسن ستوده تهرانی، ج ۱، ص ۵۶) اما گروه دیگر اعتقاد دارند که معاملات بین تاجر تنها در صورتی تجاری محسوب می‌شوند که برای امور تجارتی تاجر باشد. (ر.ک ربیعا اسکینی ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۰).

نکته ۳: بند ۱ ماده ۳ دارای حشو است و این بند می‌توانست اینگونه نگارش شود: «کلیه معاملات بین تجاری» چرا که کسبه، صرافان و بانکها نیز تاجر هستند و لزومی به ذکر استقلالی عنوان آنها نیست.

نکته ۴: مبنای حکم ماده ۳ در ماده ۵ قانون تجارت آمده است که تمام معاملات تاجر را تجاری می‌داند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. به عبارت دیگر، فرض ماده ۳ قانون تجارت آن است که معاملات تاجر به منظور رفع حوایج تجارتی است.

نکته ۵: علت اینکه تمام معاملات شرکت‌های تجارتی، طبق بند ۴ ماده ۳ تجاری تلقی می‌گردند این است که در زمان تأسیس هر شرکت تجاری، لازم است که اساسنامه شرکت که بیانگر مطالب مهمی از جمله موضوع فعالیت شرکت است، به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و مرجع ثبت شرکتها در صورتی به ثبت شرکت مبادرت می‌ورزد که موضوع فعالیت شرکت تجاری، تجاری باشد والا آن شرکت قابل ثبت نیست. همچنین مبادرت شرکت تجاری به فعالیت‌های غیرتجاری، برخلاف اساسنامه شرکت است؛ بنابراین به استناد اصل تخصص، نمی‌توان به لحاظ نظری معاملات شرکت تجاری را غیرتجارتی دانست.

نکته ۶: کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی تبعاً تجاری است اما اگر معاملات شرکت تجاری معاملاتی مانند دلالی یا بیمه‌گری باشند که ذاتاً تجاری هستند، دیگر لازم نیست که معاملات شرکت تجاری را تبعاً تجاری بدانیم. معاملات اموال غیرمنقول حتی اگر توسط شرکت‌های تجاری انجام شوند، تجاری محسوب نمی‌شوند.



(ارشد سراسری ۱۳۷۵)

۱- کدام یک از اعمال زیر اعمال تجاری تبعی (فرعی) محسوب می‌گردد؟

- الف) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه
 ب) تصدی به حمل و نقل
 ج) معاملات اجزا یا خدمه تاجر که برای امور تجاری تاجر صورت می‌گیرند.
 د) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

(سر دفتر ۱۳۷۷)

۲- مقوق تجارت ایران بر چه نظامی استوار است؟

- الف) شخصی
 ب) شخصی و موضوعی
 ج) موضوعی
 د) نه شخصی و نه موضوعی

(تفصیلات ۱۳۷۹)

۳- کدام یک از معاملات ذیل تجارتی محسوب می‌شود؟

- الف) معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوایج شخصی خود می‌نماید.
 ب) معاملات غیر منقول
 ج) خرید اوراق قرضه از شرکت سهامی عام
 د) معاملات بین بانکها

(سر دفتر ۱۳۸۲)

۴- کلیه معاملات بین شرکت‌های تجارتی، ...

- الف) تجاری محسوب می‌شود.
 ب) اگر برای امور تجاری باشد، تجاری محسوب می‌شود.
 ج) اگر برای امور مدنی باشد، مدنی محسوب می‌گردد.
 د) به استثناء اموال غیر منقول، تجاری محسوب می‌شود.

(وکالت ۱۳۸۳)

۵- معامله بین دو تاجر:

- الف) در هر حال تجاری خواهد بود.
 ب) در هر حال تجاری خواهد بود، به استثناء اموال غیر منقول
 ج) در هر حال تجاری خواهد بود، به استثناء اموال منقول
 د) فقط در صورتی که مربوط به حوایج شخصی تاجر باشد، تجاری خواهد بود.

(سر دفتر ۱۳۸۳)

۶- کدام گزینه صمیم است؟ معاملات تجارتی تبعی ...

- الف) معاملات کلاً تجارتی محسوب می‌گردد.
 ب) به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌گردد.
 ج) بستگی به نوع معامله دارد که تجاری یا غیر تجاری محسوب گردد.
 د) بستگی به قصد و اراده طرفین دارد که تجاری یا غیر تجاری محسوب گردد.

(وکالت ۱۳۸۵)

۷- کدام مورد زیر، در شمار معاملات تجارتی تبعی است؟

- الف) کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی

- ب) عملیات بیمه بحری و غیر بحری
 ج) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و غیر تاجر باشد.
 د) هر قسم عملیات دلالی و حق العمل کاری و یا عاملی

(وکالت ۱۳۸۷)

۸- معامله بین تاجر با غیر تاجر

- الف) تجارتي نیست.
 ب) در صورتی که برای رفع حوایج تجارتي تاجر باشد، تجارتي است.
 ج) تجارتي است.
 د) در صورت درج مراتب در قرارداد، تجارتي است.

(تفتاوت ۱۳۸۹)

۹- کدام یک از معاملات زیر تجارتي محسوب می‌شود؟

- الف) خرید اوراق قرضه از شرکت سهامی عام
 ب) معاملات بین بانک‌های دولتی و خصوصی
 ج) تحصیل یا خرید هر نوع مال غیر منقول به قصد فروش
 د) گزینه‌های الف و ب

(تفتاوت ۱۳۹۳)

۱۰- کدام دعوا تجارتي است؟

- الف) موضوع اختلاف تجارتي است.
 ب) طرفین آن تاجر هستند.
 ج) موضوع اختلاف تجارتي و خواننده آن تاجر است.
 د) موضوع اختلاف تجارتي و خواهان آن تاجر است.

۱۱- در صورتی که دعوا ناشی از معامله‌ای باشد که یک طرف آن تاجر و طرف دیگر غیر تاجر است

(تفتاوت ۱۳۹۴)

معیار صلاحیت دادگاه بر مبنای «دعوا بازرگانی» کدام است؟

- الف) معامله نسبت به خواهان تجاری باشد.
 ب) معامله نسبت به خواننده تجاری باشد.
 ج) موضوع معامله تجاری باشد.
 د) هدف معامله تجاری باشد.

(ارشاد سراسری ۱۳۹۵)

۱۲- کدام مورد در توصیف «معامله تجاری تبعی»، صمیم است؟

- الف) هر معامله‌ای که طرفین آن تاجر یا شرکت تجاری باشند، معامله تجاری تبعی است.
 ب) هر معامله‌ای که توسط تاجر انجام شود، به تبع تاجر، تجاری محسوب می‌شود.
 ج) ذاتاً تجاری نمی‌باشد و اصولاً برای رفع حوایج تجاری تاجر انجام می‌شود.
 د) فقط معامله‌ای است که موضوع فعالیت تجاری تاجر است.

۱۳- کدام مورد در فصوص فرید لوازم فانگی توسط تاجر برای تجهیزیه دفتر فود از مغازه خرده‌فروشی،

(وکالت ۱۳۹۵)

صمیم است؟

- الف) چنانچه ثمن از صندوق تجارخانه پرداخت شود، مشمول عمل تجاری است.
 ب) در صورتی که فروشنده تاجر باشد، عمل تجاری است.
 ج) عمل تجاری محسوب می‌شود.
 د) به هیچ وجه تجاری نیست.

۱۴- کدام مورد درفصوص معامله تاجر با غیرتاجر، صمیم است؟

(وکالت ۱۳۹۶)

- الف) برای تاجر در هر حال، تجاری است.
 ب) برای تاجر، اگر برای امور تجاری او باشد، تجاری است.
 ج) در هر حال، تجاری است.
 د) به هیچ عنوان تجاری نیست.

۱۵- کدام یک از معاملات زیر، عمل تجاری ذاتی ممسوب نمی‌شود؟

(رکتری حقوق فصوصی ۱۳۹۸)

- الف) دلالی معاملات ملکی
 ب) خرید قفسه برای نصب در تجارتخانه از سوی تاجر
 ج) تصدی به ارائه خدمات پیدا کردن خدمتکار، پرستار و مربی کودک
 د) خرید کالایی به قصد فروش، در صورتی که تاجر هیچ‌گاه موفق به فروش آن نشود.

۱۶- یک تاجر پتو، ۱۰۰۰ قطعه پتو برای توزیع بین نیازمندان فریداری می‌کند. ۴۰۰ قطعه اضافه می‌آید**و آن‌ها را در فروشگاه فود به فروش می‌رساند. کدام گزینه صمیم است؟** (آزمون فوق‌العاده مرکز وکلا ۱۴۰۱)

- الف) این خرید و فروش‌ها عمل تجاری ذاتی است.
 ب) خرید ۴۰۰ قطعه پتو عمل تجاری ذاتی است ولی فروش آن عمل تجاری ذاتی نیست.
 ج) فروش ۴۰۰ قطعه پتو عمل تجاری تبعی است و خرید آن عمل تجاری نیست.
 د) خرید ۱۰۰۰ قطعه پتو عمل تجاری ذاتی و فروش آن‌ها عمل غیر تجاری است.

۱۷- اگر شاگرد تاجر، یک دستگاه تراکتور به منظور اجاره دادن برای (رباب فود فریداری نماید، آیا**عمل شاگرد تجارتی است؟** (تالیفی)

- الف) بله، عمل شاگرد ذاتاً تجارتی است.
 ب) خیر، تاجر باید شخصاً چنین معامله‌ای را انجام دهد تا تجارتی تلقی شود.
 ج) خیر، اجاره دادن مال منقول تجارتی محسوب نمی‌شود.
 د) بله، عمل شاگرد، عمل تجارتی فرعی است.

پاسخنامه

- ۱ ج ۲ ب ۳ د ۴ د ۵ ب ۶ ب ۷ الف
 ۸ ب ۹ ب ۱۰ الف ۱۱ ب ۱۲ ج

۱۳ د (با توجه به نکته ۲ ذیل همین ماده گزینه ج نیز صحیح می‌باشد).

۱۴ ب

۱۵ ب خرید قفسه برای نصب در تجارتخانه توسط تاجر، مشمول بند ۲ ماده ۳ قانون تجارت و از اعمال تجاری

تبعی است.

۱۶ ج

۱۷ الف به ماده ۳ ق.ت و بند ۳ آن رجوع شود. باید توجه نمود که اگر عملی ذاتاً تجاری تلقی گردد به مصادیق

ماده ۳ ق.ت. رجوع نخواهد شد؛ لذا معامله مذکور به استناد بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت ذاتاً تجارتی است.

ماده ۴ - معاملات غیرمنقول، به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شود.

نکته ۱: طبق ماده ۲ ل.ا.ق.ت مصوب ۱۳۴۷ معاملات شرکت‌های سهامی حتی اگر ذاتاً تجاری نباشند، تجاری تلقی می‌شود. به استناد این ماده برخی نویسندگان معامله اموال غیرمنقول که توسط شرکت‌های سهامی انجام می‌شود را به طور تبعی تجاری می‌دانند. ما بر این نظر هستیم که تنها استثناء این ماده در ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌های مصوب ۱۳۴۳ آمده است و معاملات اموال غیرمنقول توسط شرکت‌های سهامی تجارتي محسوب نمی‌شود و میان جواز انتخاب معاملات اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی به عنوان موضوع فعالیت با تجاری محسوب شدن معاملات اموال غیرمنقول، تفاوت است.

نکته ۲: استثناء این ماده در ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌های مصوب ۱۳۴۳ پیش‌بینی شده است. معاملات مندرج در این ماده ذاتاً تجاری می‌باشند.

قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳ ماده ۵: «انواع شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب، به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیرمرتبط به کارهای ساختمانی ممنوع‌اند».

نکته ۳: با وجود آن که معاملات غیرمنقول به هیچ‌وجه تجارتي محسوب نمی‌شوند، این موضوع دلیل بر آن نمی‌شود که اگر تاجری برای رفع حواجی تجارتي خود معاملات غیر منقول انجام دهد آن را در زمره عملیات خود قلمداد ننماید و در دفاتر مربوط ثبت ننماید. بلکه باید اموال مزبور را در درایی خود ثبت نموده و معاملات مربوط به آنها را در دفاتر خود عمل نماید (حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج اول، ص ۶۰)

نکته ۴: طبق بند ۳ ماده ۲ ق.ت: دلالی یا حق‌العمل‌کاری یا عاملی و تصدی به تأسیساتی که جهت تسهیل معاملات ملکی ایجاد می‌شوند، تجارتي محسوب می‌شوند، هرچند که درخصوص معاملات غیرمنقول باشند.

نکته ۵: شرکت سهامی به صرف شکل آن تجاری تلقی می‌شود. با توجه به این که سرمایه شرکت سهامی به سهام تقسیم می‌شود و سهام آن آزادانه قابل نقل و انتقال است راه حل ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مبنی بر عدم لزوم موضوع تجاری برای تجاری تلقی شدن شرکت سهامی منطقی است. بنابراین حتی اگر موضوع فعالیت چنین شرکتی مدنی باشد (مثل خرید و فروش اموال غیرمنقول) نمی‌تواند ادعا کند که باید شرکت مدنی تلقی شود. (ریبعا اسکینی، شرکت‌های تجاری، ج ۲، ص ۱۹)

۱- کدام یک از عبارات زیر صمیم است؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۱)

- الف) کلیه معاملات شرکت‌های تجاری، تجاری محسوب می‌شوند.
 ب) کلیه اعمال مدنی شرکت‌های تجاری، مدنی محسوب می‌شوند.
 ج) کلیه اعمال مدنی شرکت‌های تجاری، تجاری محسوب می‌شوند.
 د) کلیه معاملات شرکت‌های تجاری به استثنای معاملات غیر منقول، تجاری تلقی می‌شوند.

۲- معاملات غیرمنقول:

(ارشد سراسری ۱۳۷۱)

- الف) اگر برای امور تجاری باشد، تجاری محسوب می‌شود.
 ب) به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود.
 ج) اگر به قصد سودجویی باشد، تجاری محسوب می‌شود.
 د) اگر به قصد فروش باشد، تجاری محسوب می‌شود.

۳- کدام عبارت زیر صمیم است؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۹)

- الف) خرید و فروش اموال، عمل تجاری است.
 ب) خرید اموال غیرمنقول به قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل غیرتجاری است.
 ج) خرید اموال غیرمنقول به قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل تجاری است.
 د) خرید اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی، عمل تجاری است.

۴- با توجه به ماده ۱۴ ق.ت.ک معاملات غیرمنقول، تجارتی محسوب نمی‌شود و ماده ۵ همان

قانون، کلیه معاملات تجاری، تجارتی محسوب می‌شود؛ دادوستد یک مال غیرمنقول میان دو شرکت تجارتی

(ارشد آزار ۱۳۸۹)

- الف) تجارتی نیست ولی باید در دفاتر تجاری شرکت‌ها ثبت شود.
 ب) تجارتی نیست و نیازی به ثبت آنها در دفاتر تجاری نمی‌باشد.
 ج) معاملات مزبور ذاتاً تجاری است.
 د) معاملات مزبور به تبع تاجر بودن شرکت‌ها تجاری است.

۵- کدام یک از معاملات زیر، تجارتی محسوب نمی‌شود؟

(ارشد آزار ۱۳۹۱)

- الف) معامله اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی
 ب) دلالی و حق‌العمل کاری معامله اموال غیرمنقول
 ج) معامله غیرمنقول شرکت‌های تجاری به قصد ساختن خانه به منظور سکونت یا فروش
 د) تصدی به معامله غیرمنقول

۶- اعمال شرکت سهامی، در کدام صورت تجارتی است؟

(قضاوت ۱۳۹۳)

- الف) اگر برای حوایج شخصی نباشد.
 ب) هر عملی را که انجام دهد.

ج) وقتی که مربوط به غیرمنقول نباشد.

د) هر عملی را که انجام دهد، به جز اعمال مدنی.

۷- براساس کدام نظریه زیر اعمال تجاری شامل معاملات زمین و سافتمان نمی‌شود؟

(رکنتری حقوق فصوصی ۱۳۹۷)

۱) گردش ثروت ۲) سوداگری ۳) حرفه تجاری ۴) تشکیلات تجاری

پاسخنامه

۱ د ۲ ب ۳ ب

۴ الف با توجه به نکته ۳ این گزینه صحیح است.

۵ الف

۶ ج به نکته ۱ و ۵ و ماده ۳ قانون تجارت رجوع شود.

۷ الف

ماده ۵- کلیه معاملات تجار، تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

نکته ۱: این ماده یک اماره قانونی ایجاد کرده است که قاعداً اثبات خلاف آن ممکن است. بار اثبات خلاف اماره بر عهده کسی است که ادعایش خلاف ظاهر است.

نکته ۲: اصل بر غیرتجاری بودن اعمال است اما در باب اعمال تجار، فرض بر تجاری بودن اعمال تجار می‌باشد.

نکته ۳: معامله تجار با یکدیگر حتی اگر به منظور رفع حوایج تجاری نباشد، تجاری است.

نکته ۴: صدور سفته و چک، گرچه عمل تجاری ذاتی نیست، اما اگر توسط تاجر و برای رفع حوایج تجاری او صادر شده باشد، عمل تجاری تبعی است.

۱- کلیه معاملات تجار، تجاری محسوب است مگر این که ثابت شود:

(قضاوت ۱۳۸۰)

الف) شخص تاجر نیست. ب) معامله مربوط به امور تجاری نیست.

ج) معامله مربوط به مال منقول باشد. د) در قالب چک می‌باشد.

۲- کدام گزینه صحیح است؟

(قضاوت ۱۳۸۰)

الف) کلیه معاملات تجار، تجاری محسوب می‌شود.

ب) کلیه معاملات تجار، تجاری محسوب می‌شود مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

ج) کلیه معاملات تجار در صورتی که در دفاتر تجاری آنان ثبت شود، تجاری محسوب می‌گردد.

د) کلیه معاملات تجار با تجار دیگر، تجاری محسوب می‌گردد.

۳- معاملات تاجر تجارتي ممسوب ...

(تازد ۸۸ ۱۳)

- الف) می‌شود، حتی اگر غیر تجارتي بودن آن توسط طرف تاجر اثبات شود.
 ب) نمی‌شود، چنانچه طرف تاجر، غیر تجارتي بودن آن را ثابت کند.
 ج) می‌شود.
 د) نمی‌شود.

پاسخنامه

۱ ب ۲ ب ۳ ب

◎◎◎ باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری ◎◎◎

◎◎◎ فصل اول: دفاتر تجاری ◎◎◎

ماده ۶- هر تاجری به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه، قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد:
۱- دفتر روزنامه ۲- دفتر کل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر کپیبه.

نکته ۱: کسبه جزء تاجری است که از رعایت تکالیف عام تجار یعنی داشتن دفاتر تجاری، ثبت نام در دفتر ثبت تجاری و شمول مقررات ورشکستگی معاف است. با این حال، کسبه جزء می‌تواند دفاتر تجاری داشته باشد و در دفتر ثبت تجاری ثبت نام کند ولی به هیچ وجه نمی‌توان مقررات ورشکستگی را در مورد کسبه جزء اجراء کرد.

نکته ۲: امروزه به جای دفتر دارایی، از ترازنامه و به جای دفتر کپیبه، از دفتر اندیکاتور استفاده می‌شود.

نکته ۳: تجار بنابر حکم قانون مکلف به داشتن دفاتری هستند که باید دارای شرایط شکلی و تنظیمی معین باشند. قانون تجارت در مواد ۷ الی ۱۲ شرایط شکلی دفاتر تجار را مقرر داشته، اما در ماده ۱۳ به بیان شرایط تنظیم دفاتر تجاری اشاره کرده است. تفکیک بین شرایط تنظیمی و شرایط شکلی دفاتر تجاری خصوصاً در باب ورشکستگی به تقصیر و تقلب حائز اهمیت است.

نکته ۴: داشتن دفاتر تجاری، ملازمه با تاجر بودن صاحب آن دفاتر ندارد.

نکته ۵: دفاتر تجاری، اسناد عادی‌اند؛ الا قسمتی که مورد تأیید مأمور رسمی قرار می‌گیرد.

نکته ۶: مزایای داشتن دفاتر تجاری چیست؟

۱. قابلیت استناد به دفاتر تجاری علیه تجار دیگر: ماده ۱۲۹۷ ق.م. مقرر می‌دارد: «دفاتر تجاری در موارد دعوای تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوا از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند.»

۲. تعیین مالیات بر اساس دفاتر تجاری: ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم، سازمان امور مالیاتی را برای تعیین مالیات قابل پرداخت مکلف به مراجعه به دفاتر تجار کرده است.

۳. سهولت در اخذ تسهیلات مالی: در صنعت مالی، وام دهندگانی مانند بانکها برای اینکه ریسک وام‌های خود را کاهش دهند، از وام گیرندگان خود مدارک دال بر وضعیت مالی وام گیرنده مطالبه می‌کنند، در این بین دفاتر تجاری تاجر بسیار حائز اهمیت است.

نکته ۷: ضمانت اجرای نداشتن یا نامرتب تنظیم کردن دفاتر تجاری چیست؟

۱. به موجب ماده ۱۵ ق.ت. نداشتن دفاتر تجاری یا عدم رعایت شرایط شکلی دفاتر تجاری، موجب جزای نقدی است.

۲. ورشکستگی به تقصیر یا تقلب: به موجب بند ۳ ماده ۵۴۲ قانون تجارت اگر تاجر دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد، ممکن است محکوم، به ورشکستگی به تقصیر شود. اما اگر نداشتن دفاتر تجاری یا تنظیم نامرتب دفاتر ناشی از تقلب باشد، تاجر ورشکسته محکوم به ورشکستگی به تقلب خواهد شد.

۳. نداشتن یا نامرتب تنظیم کردن دفاتر تجاری علیه تاجر سندیت دارد. ماده ۱۳۰۰ ق.م. مقرر می‌دارد: «در مواردی که دفتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.» همچنین طبق ماده ۱۲۹۹ قانون مدنی: «دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود: الف- در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی، به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد. ب- وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد. ج- وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهت از جهات در محکمه مدلل شده باشد.»

نکته ۸: دفاتر قانونی تجار: در قانون تجارت داشتن دفاتر چهارگانه (شامل دفاتر روزنامه، کل، دارایی و کپیه) برای تاجر الزامی است، اما از بین این دفاتر، دفتر کپیه نیازمند امضاء و تأیید مأمور رسمی نیست. همچنین طبق قانون مالیات‌های مستقیم، دفاتر قانونی مالیاتی شامل دفتر روزنامه، دفتر کل و دفتر مشاغل است.

نکته ۹: از بین دفاتر تجاری، امضای تاجر صرفاً برای دفتر دارایی الزامی است و سایر دفاتر نیازمند امضای تاجر نیستند.

(ارشد آزاد ۱۳۸۶)

۱- داشتن دفاتر تجاری ...

- الف) ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد.
 ب) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است.
 ج) به هیچ‌وجه تاجر بودن صاحب آن را ثابت نمی‌کند.
 د) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است، به شرط آنکه وفق مقررات قانونی تنظیم شده باشد.

۲- در صورتی‌که تاجر، دفاتر داشته باشد، درآمد او ... تشخیص داده شده و مالیات اذ می‌شود:

(ارشد آزاد ۱۳۸۶)

- الف) از روی دفاتر
 ب) به‌طور علی‌الحساب توسط ممیز
 ج) از روی دفاتر (به شرط پلمپ بودن آنها)
 د) از روی دفاتر (به شرط قانونی بودن آنها)

۳- کدام دفتر از جمله دفاتر تجاری نیست؟

(وکالت ۱۳۸۷)

الف) درآمد (ب) دارایی (ج) کپیه (د) کل

۴- داشتن کدام یک از دفاتر زیر برای تاجر الزامی نیست؟

(وکالت ۱۳۸۸)

الف) دفتر دارایی (ب) دفتر روزنامه (ج) دفتر کپیه (د) دفتر تراز مالی ماهانه

۵- کسبه جزء، (وکالت ۱۳۹۰)

الف) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.

ب) بازرگان به شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معاف‌اند.

ج) بازرگان محسوب شده و بدون استثناء مشمول همه تکالیف تجار می‌باشند.

د) در گذشته بازرگان به حساب می‌آمدند، اما در حال حاضر دیگر تاجر تلقی نمی‌شوند.

۶- مطابق مقررات قانون تجارت، کسبه جزء (مشاوران ۱۳۹۲)

الف) تا اصلاح نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت در سال ۱۳۸۰ بازرگان به حساب می‌آمدند، اما در حال حاضر تاجر تلقی نمی‌شوند.

ب) بازرگان به شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معاف‌اند.

ج) بازرگان محسوب شده و مشمول همه حقوق و تکالیف تجار می‌باشند.

د) مشمول قانون تجارت نیستند.

۷- کدام مورد درفصوص کسبه جزء، صمیع است؟ (ارشد سراسری ۱۳۹۴)

الف) تاجراند، اما از شمول مقررات حاکم بر تجار خارج‌اند.

ب) تاجر نبوده و از شمول مقررات حاکم بر تجار خارج‌اند.

ج) تاجر نیستند، اما مشمول بعضی از مقررات حاکم بر تجار هستند.

د) تاجراند، اما از شمول بعضی از مقررات حاکم بر تجار خارج‌اند.

۸- کدام یک از دفاتر زیر به امضای نماینده اداره ثبت نیازی ندارد؟ (تالیفی)

الف) دفتر ترازنامه (ب) دفتر کل (ج) دفتر اندیکاتور (د) دفتر روزنامه

پاسخنامه

۱ الف ۲ د ۳ الف ۴ د ۵ ب ۶ ب ۷ د

۸ ج به مواد ۶ و ۱۱ ق.ت رجوع شود. کلیه دفاتر از جمله دفتر روزنامه، کل، دارایی (ترازنامه) به استثنای دفتر کپیه (اندیکاتور) باید به وسیله نماینده اداره ثبت امضا شود.

ماده ۷- دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند، در آن دفتر ثبت نماید.

نکته ۱: کلیه دفاتر از جمله دفتر روزنامه به استثنای دفتر کپیه، باید به وسیله نماینده اداره ثبت امضاء شود. هرچند در مورد دفتر کپیه امضای مزبور لازم نیست ولی اوراق آن باید دارای نمره ترتیبی باشد.

نکته ۲: این ماده شرایط شکلی دفتر روزنامه را بیان می‌کند.

نکته ۳: مخارج شخص باید در دفتر روزنامه و به تبع آن، در دفتر کل ثبت شود.

نکته ۴: شرایط شکلی دفتر روزنامه با ثبت موارد معین شده رعایت شده و امضای تاجر در این مورد لازم نیست.

.....

.....

ماده ۸- دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه، از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

نکته ۱: دفتر کل نیازمند امضاء تاجر نیست و این ماده بیانگر شرایط شکلی دفتر کل است.

نکته ۲: امروزه در فن حسابداری دفاتری وجود دارد، تحت عنوان دفتر معین و این دفاتر برای دسته‌بندی مقرر در ماده ۸ به کار گرفته می‌شود؛ چرا که تاجر مکلف است که لااقل هفته‌ای یک‌بار از دفتر روزنامه کلیه معاملات را مستخرج کرده و انواع مختلفه آن را تشخیص دهد و هر نوع خاص آن را در صفحه مخصوصی (دفاتر معین) به‌طور خلاصه ثبت کند.

.....

.....

۱- دفترکل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را:

(وکالت و سر دفتری ۱۳۷۸)

الف) لااقل ماهی یک بار از دفترهای خود استخراج و بدان منتقل نماید.

ب) لااقل هر دو هفته یک بار از دفتر روزنامه استخراج نماید.

ج) لااقل هفته‌ای یک بار از دفتر روزنامه استخراج و در آن دفتر به طور خلاصه ثبت نماید.

د) از دفاتر خود استخراج نموده، به طور خلاصه در آن دفتر ثبت نماید.

پاسخنامه

۱ ج

ماده ۹- دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز، ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء

نمایند و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

نکته ۱: این ماده بیانگر شرایط شکلی دفتر دارایی است که امضای تاجر را برخلاف سایر دفاتر الزامی کرده است. بنابراین به سایر دفاتر تاجر غیر از دفتر دارایی، بدون امضای تاجر هم می‌توان استناد نمود.

نکته ۲: دفتر دارایی کاربرد ترازنامه در فن حسابداری را دارد.

.....

۱- دفتر دارایی تاجر عبارتست از:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۳)

الف) دفتری که تاجر باید کلیه معاملات خود را حداقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و در آن ثبت کند.

ب) دفتری است که تاجر باید مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

ج) دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامع دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده و در آن ثبت و امضاء نماید.

د) دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دارایی خود را در آن ثبت نماید.

۲- کدام دفتر تراز مالی سالیانه تاجر را مشخص می‌کند؟

(ارشد سراسری ۱۳۸۹)

الف) دفتر کل ب) دفتر دارایی ج) دفتر روزنامه د) دفتر کپی

پاسخنامه

۱ ج ۲ ب

ماده ۱۰- دفتر کپی دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.
تبصره- تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

نکته ۱: دفتر کپی همان دفتر اندیکاتور است که صرفاً نامه‌ها و مراسلات صادره از جانب تاجر در آن ثبت می‌شود. نامه‌ها و مراسلات وارده لازم نیست که در دفتر کپی ثبت گردد، بلکه تاجر باید آنها را در لفافه‌ای نگاه دارد.

نکته ۲: دفتر کپی نیازمند امضاء و تأیید مأمور اداره ثبت نیست. به واقع مأمور ثبت حق امضاء و تأیید دفتر کپی را ندارد. (در این باب به ماده ۱۲۹۳ ق.م. رجوع کنید.)

..... ✍
.....
۱- دفتری که تاخیر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت مساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید را اصطلاحاً گویند.

(تفصیلات ۱۳۷۷)

الف) دفتر کل ب) دفتر دارایی ج) دفتر کپی د) دفتر روزنامه

۲- در مقایسه دفتر دارایی با دفتر کپی، کدامیک از گزینه‌های زیر درست است؟ (ارشاد آزار، ۱۳۹۰)

الف) شرایط شکلی و تنظیمی دفاتر دارایی و کپی یکسان است.

ب) از حیث شرایط شکلی دفتر دارایی با دفتر کپی تفاوت دارد.

ج) شرایط تنظیم دفتر کپی با شرایط تنظیم دفتر دارایی تفاوت دارد.

د) مندرجات الزامی دفتر دارایی با مندرجات الزامی دفتر کپی یکسان است.

پاسخنامه

۱ ج ۲ ب

ماده ۱۱- دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپی قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد، به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود) امضاء خواهد شد. برای دفترکپی امضاء مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر، مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه با کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد است.

نکته ۱: این ماده هم، بیانگر شرایط شکلی دفاتر تجارته است.

نکته ۲: مأمور اداره ثبت نمی‌تواند دفتر کپی را امضاء کند؛ چرا که صلاحیت امضاء ندارد.

"ماده ۱۲۹۳- هر گاه سند به وسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده، لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده

باشد، سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد، عادی است."

..... ✍
.....
۱- دفتر روزنامه و دفتر کل چه زمانی باید پلمپ شود؟ (سر دفتر، ۱۳۷۴)

الف) در اول اسفند ماه هر سال ب) هر ۶ ماه یکبار

ج) قبل از آن که هرگونه چیزی در این دفاتر نوشته شود. د) در آخر سال مالی

۲- برای اینکه دفاتر تجارته بتوانند صورت قانونی به خود بگیرند و معتبر شناخته شوند باید ابتدا:

(ارشاد سراسری، ۱۳۷۴)

الف) هم توسط اداره ثبت و هم توسط اداره دارایی کنترل و تأیید شوند.

ب) توسط اداره دارایی کنترل و تأیید شوند.

ج) توسط نماینده اداره ثبت اسناد کنترل و امضاء شوند.

د) در دادگاه قانونی بودن آن‌ها به اثبات رسیده باشد.

۳- کدامیک از دفاتر تجاری، باید قبل از استفاده در اداره ثبت پلمپ شود؟ (وکالت ۱۳۸۷)

الف) روزنامه، کل و دارایی

ب) روزنامه، کل و معین

ج) روزنامه، کل و کپیه

د) روزنامه، کل و صندوق

پاسخنامه

۱ ج ۲ ج ۳ الف

ماده ۱۲- دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزات عدلیه برای این مقصود تهیه می‌نماید، منگنه کند. لازم است کلیه اعداد، حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

نکته: این ماده شامل دفتر کپیه نیست؛ چرا که دفتر کپیه به منظور امضاء تسلیم مأمور ثبت نمی‌شود.

.....

.....

ماده ۱۳- کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود. تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاه دارد.

نکته ۱: این ماده بیانگر شرایط تنظیم دفاتر تجاری است.

نکته ۲: تاجر مکلف است که دفاتر تجاری را به مدت حداقل ۱۰ سال نگهدارد، اما این امر مانع از آن نخواهد شد که دفاتر مذکور برای مدت بیشتری معتبر و قابل استناد باقی بمانند. (ر.ک.

ماده ۲۱۰ ق.آ.د.م.) در واقع مدت زمان اجباری برای نگهداری دفاتر تجاری ۱۰ سال است ولی زمان استناد به این دفاتر نامحدود است.

نکته ۳: ضمانت اجرای عدم تنظیم قانونی دفاتر تجاری در ماده ۱۲۹۹ ق.م. آمده است: «دفتر

تجارتی در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود: ۱. در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی

به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد. ۲. وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد. ۳. وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.»

.....

۱- کدام مورد، موجب رد دفاتر قانونی گردیده و به دارنده آن جریمه تعلق می‌گیرد؟ (سر دفتر ۱۳۸۲)

- الف) ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت در حاشیه
 ب) ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت در بین سطور
 ج) تقدم ثبت یک یا چند معامله نسبت به تاریخ وقوع آن‌ها
 د) هر سه مورد

۲- تاجر باید تا چند سال دفاتر تجارتي خود را نگهداری کند؟ (وکالت ۱۳۸۴)

- الف) ۵ سال ب) ۱۰ سال ج) ۱۵ سال د) ۲۵ سال

۳- دفاتری که تاجر برای امور تجارتي خود به‌کار می‌برد تا چه زمانی علیه تاجر قابل استناد است؟ (وکالت ۱۳۸۵)

- الف) تا زمان انقضای مرور زمان دعوای تجاری
 ب) تا ده سال از تاریخ ختم سال مالی
 ج) در هر زمان علیه تاجر قابل استناد است.
 د) تا ده سال از تاریخ ختم سال مالی برای تاجر دیگر و پس از آن برای غیر تاجر.

پاسخنامه

۱ د همچنین ر.ک به ماده ۱۵ قانون تجارت

۲ ب ۳ ج

ماده ۱۴- دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجارتي خود به کار می‌برد در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور تجارتي سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

نکته ۱: اگرچه دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد، اما جزء قراین و امارات محسوب می‌شود. (ماده ۱۲۹۸ ق.م). امارات قضایی در صورتی قابل استناد هستند که دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کنند. (ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی).

نکته ۲: هرگاه دعوا تجاری باشد، سندیت دفاتر برحسب اینکه تاجر مدعی است یا مدعی علیه، فرق می‌کند. در صورتی که تاجر مدعی باشد، دفتر تاجر در صورتی از جانب او قابل استناد است